



قرآن، آدم (ع) را در جنت عدن، عالم به اسماء الهی می‌داند

در فرهنگ قرآنی انسان داننده جمیع اسماء الهی است و به تعبیر عرفا، مظهر جمیع اسماء و صفات خداوند است، ولی مطابق بیان تورات حضرت آدم، در نشئه زندگی قبله ایست. دارای آگاهی، کاملی، نموده تا آنجا که حتی، از بهنگه، خود و قبح آن بی خبر بود است و با خود، دن میوه درخت شناخت به نیک و بد آگاهی، مه، نابد. در اعتقاد یهود، انسان جایگاهی بسیار مهم و محوری در میان سایر مخلوقات دارد و «خداوند، انسان را به شکل خویش آفرید» باور اساسی کتاب مقدس در مورد انسان است و در باب دوم «سفر پیدایش» اشاره شده است که هیچ یک از حیوانات مناسب نبودند که هم‌نشین و همدم آدم بشوند. این نکته حاکی از آن است که انسان ماهیتاً در اندیشه یهود، دارای شخصیت معنوی بوده و خداوند به هنگام آفرینش، مقام ویژه‌ای به او بخشیده است. مطابق بیان از تورات، انسان هدف آفرینش است و به همین دلیل او در آخرین روز آفرینش، آفریده شده است، و انسان‌شناسی در «تلمود» انسان برتر از همه مخلوقات است.

گناه آدم (ع) در تورات:

مهم‌ترین حادثه‌ای که در تورات نقل شده است ماجرای گناه آدم است که در باب دوم و سوم «سفر پیدایش» نقل شده است، ولی باید توجه کرد دانشمندان یهود در تلمود، گناه موروثی که از حضرت آدم (ع) به فرزندان او به شدت رد کرده‌اند، دقیقاً عکس مطلبی که در انسان‌شناسی پولوسی در مسیحیت تبیین شده است. مطابق تعالیم تلمود هر چند گناه آدم در نسل او تأثیر گذاشته، اما هیچ انسانی گنهگار متولد نمی‌شود، لذا همه انسان‌ها به هنگام تولد پاک و بی‌گناه هستند و انسان ذاتاً معصوم و بی‌گناه است. تأثیر گناه آدم در زندگی نسلش باعث مرگ فرزندان او شد؛ یعنی اگر آدم گناه نمی‌کرد، انسان‌ها هرگز نمی‌مردند. اما نکته حائز اهمیت این است که از گزارش جریان گناه آدم در تورات سفر پیدایش باب سوم چنین برداشت می‌شود که آن میوه درختی که خداوند او از آدم (ع) منع کرده بود، میوه درخت آگاهی، بوده است، به عبارت دیگر، خداوند در نشئه زندگی، گذشته آدم (ع)، او را آگاهی، و علم منع کرده بود.

مقصود از خلافت حضرت آدم، خلافت از انسان‌ها یا موجودات دیگری که قبل از او بوده‌اند نیست بلکه مقصود خلافت و جانشینی خداست به علاوه مطرح کردن مساله جانشینی برای فرشتگان به منظور ایجاد آمادگی در آنان برای سجده بر آدم است و جانشینی غیر خدا در این آمادگی نقشی ندارد

این برداشت، بدان خاطر است که مطابق بیان تورات حضرت آدم (ع)، در نشئه زندگی قبلی‌اش آگاهی کاملی نداشته تا آنجا که حتی از برهنگی خود و قبح آن بی‌خبر بوده است و با خوردن میوه درخت شناخت، به نیک و بد آگاهی می‌یابد. شاید بتوان گفت نهی خداوند از خوردن میوه یک نهی ارشاد بوده است، چرا که به آدم فرموده است اگر از آن بخوری اطمینان داشته باش که خواهی مرد و اگر آدم در باغ عدن باقی می‌ماند، به همان صورت جاودانه می‌ماند.

خلافت انسان در قرآن:

این جریان در قرآن هم ذکر شده است، ولی به نحو کامل‌تر، بدین گونه که در جریان آفرینش اولیه انسان که در آیه 30 سوره بقره ذکر شده است، انسان را خلیفه خدا معرفی کرده است. خلیفه و خلافت، از ریشه «خلف»؛ به معنای پشت سر و به معنای جانشینی است. جانشینی کاربردهای متفاوت دارد؛ جانشینی، گاه در امور حسی به کار می‌رود؛ مانند آیه «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خَلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا» و اوست کسی که برای هر کس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاسگزاری نماید شب و روز را جانشین یکدیگر گردانید (فرقان / 62) و گاه در امور اعتباری مانند «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَصِلُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ يَمَّا تَسْأَلُونَ يَوْمَ الْحِسَابِ»؛ ای داوود ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن و زنده از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند در حقیقت کسانی که از راه خدا به در می‌روند به [سزای] آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند عذابی سخت‌خواهند داشت (ص / 26) گاه در امور حقیقی و ماورای طبیعی به کار می‌رود مانند خلافت حضرت آدم که در آیه 30 بقره اشاره شده است. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

مقصود از خلافت حضرت آدم:

مقصود از خلافت حضرت آدم، خلافت از انسان‌ها یا موجودات دیگری که قبل از او بوده‌اند نیست، بلکه مقصود خلافت و جانشینی خداست به علاوه مطرح کردن مساله جانشینی برای فرشتگان به منظور ایجاد آمادگی در آنان برای سجده بر آدم است و جانشینی غیر خدا در این آمادگی نقشی ندارد.

نکته دیگر شایان توجه این است که جانشینی اعتباری نیست، بلکه جانشینی تکوینی است؛ چنان که از آیه شریفه «علم آدم الاسماء کلها» نیز این نکته استفاده می‌شود و از دستور خداوند به فرشتگان که بر آدم سجده کنید روشن می‌شود که این خلافت تکوینی را نیز در بر می‌گیرد.

ملاك شایستگی انسان برای خلافت:

عکس مطلب تورات که انسان را در زندگی و نشئه قبلی‌اش ناآگاه می‌دانست، در قرآن ملاک شایستگی آدم برای خلافت الهی را آگاهی از اسماء الهی می‌داند: وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ [خدا] همه [معانی] نامها را به آدم آموخت، سپس آنها را بر فرشتگان عرضه کرد و فرمود اگر راست می‌گویید از اسامی این‌ها به من خبر دهید (بقره/31).

در فرهنگ قرآنی انسان داننده جمیع اسماء الهی است و به تعبیر عرفا، مظهر جمیع اسماء و صفات خداوند است و موجودی است که مختار و آمدن پیامبران و نزول کتب آسمانی بی‌آنکه انسان، مختار باشد، کاری بیهوده است.*

*منابع: دین‌شناسی تطبیقی نوشته کدار ناشایب و ترجمه سید ابوطالب فناپی؛ یهودیت: بدالرحیم اردستانی؛ درسنامه ادیان ابراهیمی نوشته عبدالرحیم

اردستانی؛ انسان‌شناسی نوشته محمود رجبی؛ معرف قرآن نوشته آیت‌الله مصباح یزدی

نویسنده: ابولفضل عنایستانی

خبرگزاری قرآنی